### اشاره

بحث از اقتضاء تمام شد و از چند مسأله خاص در این موضوع، چشم پوشی می‌شود و به مرحله تنظیم و تقریر نویسی برای این مباحث موکول می‌شود.

### بحث مفاهیم

در ابتدا چند مقدمه از این بحث ذکر می‌شود که برخی از این مقدمات در کفایه و یا دیگر کتب اصولی بحث شده و نیز در اینجا مقدماتی خاص مورد نظر است که تبیین می‌شود؛

#### **مقدمه اول: جایگاه بحث مفاهیم در مباحث اصولی**

این بحث (مفاهیم) با بحث ملازمات تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله اینکه ملازمات و غیر مستقلات عقلیه (که البته بنابر مبنای مختار غیر مستقل لفظیه هم داخل آن بود) از مقدمه واجب تا اقتضاء النهی للفساد، عبارت از سلسله مسائلی بودند که اختصاص به اخباریات داشتند و مدار آنها احکام تکلیفی بود و مختص به فقه هستند و «اصول» برای «فقه به معنی خاص» بودند، ولی بحث‌های آتی مباحثی اعم از اصول فقه و مشترک بین اخبار و انشاء است و از این رو جریان این قواعد اختصاص به فقه و احکام ندارد و در توصیفیات هم جاری است. این بخش از اصول مربوط به روش تحقیق مشترک بین علم فقه و عموم معارف دینی است، چراکه در هر دو حوزه کاربرد دارد؛ نظام مفهوم‌گیری و مفهوم‌سازی و عام و خاص و دیگر مباحث از این سنخ، می‌تواند در مباحث کلامی و معارفی فراتر از فقه هم جریان یابد.

در حقیقت این قسمت از بحث ملازمات، دقیقاً یک مبحث فقهی بوده و اصول برای «فقه بالمعنی الخاص» است و نیز مباحث قبلی مثل امر و نهی هم اینچنین است و آن ها هم یک سری مباحث مختص به اصول فقه بالمعنی الخاصند، همچنین دیگر مباحث مطرح شده قبل از مبحث اوامر مثل بحث مشتق و صحیح و اعم و ... که در تحلیل‌های لفظی مطرح‌اند، اینها نیز از قبیل مباحث مشترکند و از مبحث مفاهیم تا آخر جلد اول کفایه ، همگی در شمار مباحث مشترک‌اند.

#### خلاصه پیشنهاد جدید برای چینش مباحث اصول؛

1. اصول مشترک اعم از توصیفیات وانشائیات: مقدمات ، اوامر و مفاهیم

2. ویژه انشائیات: اوامر و نواهی و ملازمات اعم از عقلی و لفظی (غیر مستقلات عقلیه)

3. ویژه اخباریات

البته در همین قلمرو مشترک که مشتمل بر حقیقت وضع و اقسام وضع و ... است، در اصول موجود هم صبغه فقهی دارد، چراکه اساساً برای کاربرد در فقه تنظیم شده‌اند، ولی در عین حال ذات آنها مشترک است هر چند بحث فراتر از این مباحث صرفاً فقهی است.

#### **مقدمه دوم: گستره بحث**

نکته دیگر اینکه آنچه در کفایه تا کنون در ضمن عنوان مباحث ملازمات بحث کردیم، اعم از ملازمات لفظی و عقلی بود، ولی به هر حال داخل در حوزه ملازمه بین یک حکم شرعی و چیزی دیگر غیر از حکم شرعی بود، در کنار این سنخ مباحث عقلی، بخش دیگر هم مستقلات عقلیه است که در کفایه در مباحث قطع و ظن و ... مورد اشاره قرار گرفته است و بنا بر این است که در ضمن مباحث فلسفه تربیتی اسلام، این مباحث را دنبال کنیم؛ البته در مسأله مستقلات عقلیه، بحث است که آیا فقط فقهی است و یا فرا فقهی نیز می‌باشد؟ که این سوال در ادامه مباحث فلسفه تربیتی اسلام پاسخ داده خواهد شد.

الآن مستقلات عقلیه که در اصول است، مستقلات مخصوص احکام است؛ ولی آیا در توصیفیات این متسقلات هستند یا نه این در محل خود باید در فلسفه تربیتی اسلام بحث شود و به هر حال می‌تواند این بحث هم مشترک بین فقه و معارف دانسته شود. همانطور که در عقل نظری ، غیر مستقلات هم بحث مفصل دارند و باید پرداخته شود.

البته لازم به ذکر است که همانند بحثی که در ملازمات در احکام انشائی مطرح شده است، در زمینه احکام اخباری هم این موضوع جای طرح و بحث دارد که آیا در این گونه خطابات شرعی هم ملازمه عقلی قابل اثبات و بررسی است یا نه؟

البته تفاوتی دیگر در شیوه بحث از ملازمات در مورد اخباریات در خصوص این دو مبحث (ملازمه عقلیه مستقله و ملازمه غیر مستقله از بحث مقدمه تا اقتضاء) وجود دارد و آن اینکه و لو اینکه در حال حاضر این دو بحث کاملاً فقهی مطرح می‌شود، ولی می‌شود نظیر اینها را در اخباریات هم طرح کرد . آن بحث در عرصه اخباریات، بحثی شبیه و نظیر این بحث در انشائیات خواهد بود به خلاف بحثی مثل مفاهیم که عیناً هم در اخباریات و هم در انشائیات قابل طرح است، بدون هیچ تفاوتی بین این دو گونه بحث در مورد آن.